

عوامل حسرت در قیامت از دیدگاه قرآن کریم

ظلم

اشاره

در جلسات پیشین گفتیم که یکی از نام‌های قیامت «یوم الحسرة» است. با دانستن عوامل حسرت در روز قیامت، خود را از حسرت در آن روز مصون می‌داریم. در قرآن کریم به برخی از عوامل حسرت اشاره شده است. در این جلسه به «ظلم» که یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل حسرت در روز قیامت از منظر قرآن است، اشاره خواهیم کرد.

مفهوم‌شناسی ظلم

ظلم در لغت، به معانی قراردادن چیزی در غیر جایگاه خود،^۱ انجام دادن کار بی‌جا^۲ خروج از حد میانه‌روی^۳ آمده است. ظلم به این معنا، اعم و جامع همه رذایل است؛ زیرا ارتکاب هر یک از زشتی‌های شرعی و عقلی، کاری بی‌جا و خروج از حد اعتدال محسوب می‌شود.^۴ برای ظلم، معنای دیگری نیز وجود دارد که اخص از معنای فوق و عبارت است از: ستم،^۵ ضرر، اذیت رسانیدن به غیر، مانند کشتن، زدن،

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ص ۵۳۷.

۲. ابن درید؛ جمهرة اللغة؛ ج ۲، ص ۹۳۴؛ ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۱۲، ص ۳۷۳.

۳. واسطی زبیدی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج ۱۷، ص ۴۴۸.

۴. احمد نراقی؛ معراج السعادة؛ ص ۴۷۵.

۵. غیاث الدین رامپوری؛ غیاث اللغات؛ ص ۵۶۹؛ احمد سیاح؛ فرهنگ جامع؛ ج ۳ و ۴، ص ۵۵.

دشنام و فحش دادن، غیبت کردن، تصرف کردن مال غیر به ناحق و یا غیر اینها از کردار یا گفتاری که باعث اذیت دیگری شود.^۱ بیشتر آنچه در آیات و روایات و عرف مردم ذکر می‌شود، این معنا مراد است. پس «ظلم» در اصطلاح معروف مسلمانان به معنای رعایت نکردن حق است. قرآن کریم برای بیان مفهوم ظلم، از واژه‌هایی همانند «بغی»، «ظلم» و «عدوان» استفاده کرده است.

نکوهش ظلم در آیات و روایات

نه تنها عقل بلکه آیات و روایات نیز ظلم را نکوهش کرده و آن را از عوامل حسرت آخرت دانسته‌اند. در قرآن کریم بیش از ۲۷۴ بار کلمه ظلم و مشتقات آن به کار رفته است^۲ که در همه آنها، ظلم به اشکال مختلف، نکوهش^۳ و به عذاب دنیوی و اخروی^۴ ظلم تصریح شده است.^۵

در روایات نیز ظلم به شدت نکوهش و بر ظلم‌ستیزی اسلام تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَمَنْ أَخَذَ لِلْمُظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا»^۶ «هر کس داد مظلوم را از ستمگر بستاند، در بهشت یار و هم‌نشین من خواهد بود». هم‌چنین فرمود: «یک ساعت به عدالت رفتار کردن، بهتر از هفتاد سال عبادت است که شب‌هایش را بیدار و روزهایش را روزه‌دار باشد و یک ساعت حکم به ظلم کردن نزد خدا، از گناهان شصت سال سخت‌تر و بزرگ‌تر است»^۷.

۱. احمد نراقی؛ معراج السعادة؛ ص ۴۷۶

۲. مهدی علیزاده؛ اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)؛ ص ۲۱۲ - ۲۱۳

۳. محمد فؤاد عبد الباقي؛ المعجم المفهرس؛ ص ۵۵۱ - ۵۵۷.

۴. بقره: ۲۵۸؛ مائده: ۵۱؛ آل عمران: ۵۷ و ۱۴۰؛ هود: ۱۸؛ اعراف: ۴۴؛ اسراء: ۴۰.

۵. عنکبوت: ۳۱.

۶. فرقان: ۳۷.

۷. رک: اکبر هاشمی رفسنجانی و دیگران؛ فرهنگ قرآن؛ ج ۱۹، ص ۲۸۱

۸. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۲، ص ۳۵۹.

۹. فضل بن حسن طبرسی؛ مشکاة الأنوار؛ ص ۳۱۶؛ تاج الدین شعیری؛ جامع الأخبار؛ ص ۱۱۹، ص

۱۵۴؛ حسین نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۱، ۳۱۷؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج

۷۲، ص ۳۵۲.

حضرت علی علیه السلام نیز فرموده است: «حق خدا و حق مردم را از خود و وابستگان (سببی و نسبی) خود و افراد محبوب و مورد علاقه خویش باز ستان؛ زیرا اگر چنین نکنی، دستت به ظلم آلوده خواهد شد و کسی که بر بندگان خدا ظلم کند، خداوند مدعی و شاکی اوست، نه بندگان او».^۱

از نگاه قرآن کریم بین ظلم و حسرت قیامت، رابطه نزدیکی وجود دارد. قرآن کریم صحنه رستاخیز ستمگران را این گونه ترسیم می کند:

«أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ وَأَنْزِلْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۲: «در آن روز که نزد ما می آیند، چه گوش های شنوا و چه چشم های بینایی پیدا می کنند، ولی ظالمان امروز در گمراهی آشکارند. آنان را از روز حسرت بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می یابد و آنها در غفلتند و ایمان نمی آورند».

در آیات دیگری نیز بر حسرت ظالمان در روز قیامت اشاره شده است.^۳ به عنوان نمونه خداوند در سوره زحرف می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ»^۴: «پس وای بر کسانی که ظلم نمودند، از عذاب روزی دردناک».

در روایات نیز به این مطلب تصریح شده است؛ از جمله امام علی علیه السلام می فرماید: «وَعَرِضَتْ عَلَيْكَ أَعْمَالُكَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي يُنَادِي الظَّالِمُ فِيهِ بِالْحَسْرَةِ، وَيَتَمَنَّى الْمُضَيِّعُ فِيهِ الرِّجْعَةَ وَ لَاتَ حِينَ مَتَاصٍ»^۵: «و اعمال تو را بر تو عرضه می کنند، آنجا که ستمکار با حسرت فریاد می زند و تباہ کننده عمر و فرصت ها، آرزوی بازگشت دارد؛ اما راه فرار و چاره، مسدود است».

اقسام ظلم

ظلم، انواع فراوانی دارد که حتی ممکن است بسیاری از اهل ایمان به برخی از انواع

۱. شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ نامه ۵۳، ص ۴۲۶.

۲. مریم: ۳۸ - ۳۹.

۳. انبیاء: ۱۳، ۱۴، ۴۶ و ۹۷؛ کهف: ۳۲ و ۳۴ و ۴۲؛ فرقان: ۲۷ و ۲۸.

۴. زحرف: ۶۵.

۵. شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۴۱، ص ۴۱۴؛ محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۳۳، ص ۵۰۰.

آن آلوده شوند. در یک تقسیم‌بندی و برابر برخی روایات، ظلم به الهی (ظلم به خدا)، فردی (ظلم به خود) و اجتماعی (ظلم به دیگران) تقسیم شده^۱ و هر یک دارای شاخه‌های فرعی هستند که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

۱. ظلم به خود

در آیات فراوانی از قرآن، به این دسته از ظلم اشاره شده است. در منطق قرآن کسی که با انجام گناهان و دوری از خداوند، خود را از نعمت‌های ویژه الهی در دنیا و آخرت محروم کند و به هلاکت دنیوی و عذاب جاویدان اخروی گرفتار سازد، بر نفس خویش ستم کرده است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ»^۲: «خداوند به آنها ظلم نمی‌کند، آنها خودشان بر خودشان ظلم می‌کنند».

ز دست غیر نالم چرا که همچو حباب همیشه خانه خراب هوای خویشتم^۳

۲. ظلم به خدا

ستم بندگان بر خداوند، بزرگ‌ترین ظلم است. قرآن کریم بعد از معرفی لقمان عليه السلام و مقام علم و حکمت او، به نخستین اندرز وی که در عین حال مهم‌ترین توصیه به فرزندش است، اشاره کرده و چنین می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۴: «پسر من هیچ چیز را شریک خدا قرار مده که شرک ظلم بزرگی است».

چه ظلمی از این بالاتر که موجود بی‌ارزشی را همتای خدا قرار دهند؟! عظمت هر عملی وابسته به بزرگی اثر آن است؛ از این رو بزرگ‌ترین گناهان، شرک است که اطلاق صفت «عظیم» برای آن بدون هیچ قید و شرطی، دال بر این است که بزرگی این گناه، قابل تصور نیست. به همین جهت است که بعضی از آیات، شرک را به

۱. شیخ صدوق؛ *الأمالی*؛ ص ۲۵۳.

۲. آل عمران: ۱۱۷؛ بقره: ۵۷؛ أعراف: ۱۶۰؛ توبه: ۷۰؛ یونس: ۴۴؛ نحل: ۳۳ و... .

۳. میرزا محمدعلی صائب تبریزی؛ *دیوان اشعار*؛ غزل ۱۱۵.

۴. لقمان: ۱۳.

۵. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۱۷، ص ۳۹.

۶. سیدمحمد حسین طباطبایی؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱۶، ص ۲۲۶.

عنوان گناهی نابخشودنی معرفی کرده‌اند.^۱

یکی از مهم‌ترین مصادیق ستم به خداوند ظلم به پیامبر، امامان و رهبران راستین است. برخی از مردم به ظاهر خدا را قبول دارند یا نمی‌توانند اصل وجود خدا را انکار کنند، ولی به پیامبران علیهم‌السلام و اوصیا و جانشینان آنان ظلم می‌کنند.

از نگاه قرآن کریم تکذیب پیامبران علیهم‌السلام، ظلمی است که موجب عذاب، رسوایی و در نتیجه باعث حسرت است. قرآن درباره حضرت صالح علیه‌السلام می‌فرماید: «هنگامی که فرمان ما (دائر به مجازات) فرا رسید، صالح و کسانی را که به او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت قوی و شکست‌ناپذیر است و آنها را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فرو گرفت و در خانه‌هایشان به روی افتادند و مردند».^۲ مشابه همین مطلب درباره قوم شعیب علیه‌السلام نیز آمده است.^۳

ظلم به امام مسلمین، از مصادیق مهم ستم است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره طلحه و زبیر به خداوند چنین شکوه می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا قَطَعَانِي وَ ظَلَمَانِي وَ نَكَثَا بَيْعَتِي»:^۴ «بارالها! تو گواه باش این دو پیوند خویش را از من بریدند و بر من ظلم کردند و پیمان خود را با من شکستند». در موردی دیگر امیرالمؤمنین علیه‌السلام رنج‌نامه خویش را چنین ابراز می‌دارد: «همیشه ملت‌ها از ستمگری حاکمان بیم داشتند، ولی هم اینک من از ظلم و ستم رعیت بیم دارم».^۵

ایستادگی در برابر دستورات ولی فقیه و عمل نکردن به دستورات ایشان نیز از زمره مصادیق ظلم است.

۳. ظلم به مردم

وقتی سخن از ظلم به میان می‌آید، غالباً ظلم به مردم به ذهن متبادر می‌شود. به

۱. نساء: ۴۸ و ۱۱۶.

۲. هود: ۶۶ و ۶۷.

۳. همان: ۹۴.

۴. شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ خطبه ۱۳۲، ص ۱۹۵.

۵. همان؛ خطبه ۹۷، ص ۱۴۱.

فرموده قرآن، مجازات کسانی که به مردم ظلم می‌کنند، عذاب دردناک الهی است.^۱ برای بخشوده شدن این نوع از ظلم، توبه به تنهایی کافی نیست؛ بلکه مظلوم نیز باید ظالم را عفو کند. امام باقر علیه السلام انواع ظلم‌ها را از نظر بخشش الهی، به سه دسته تقسیم کرده و می‌فرماید:

«ستم، سه‌گونه است: ستمی که خدا می‌آمرزد و ستمی که خدا نمی‌آمرزد و ستمی که وا نگذارد. آنچه خدا نمی‌آمرزد، شرک به خداست و آنچه می‌آمرزد، ستم بر نفس است و آنچه وا نگذارد، حق بندگان بر یک دیگر است (که فقط با اغماض صاحب حق قابل عفو است)».^۲

حق الناس و نیش مار

داستانی که برای ملا محمد مهدی نراقی رخ داده، نشان دهنده اهمیت حق الناس است.

زمانی که ایشان نجف بودند، یک روز در ماه رمضان ایشان در منزلشان برای صرف افطار هیچ نداشتند. مرحوم نراقی از منزل بیرون آمده، به وادی السلام نجف برای زیارت اهل قبور می‌رود، می‌بیند عده‌ای از اعراب جنازه‌ای را آوردند. وقتی جنازه را در میان قبر گذاشتند، به او گفتند: ما عجله داریم، شما بقیه تجهیزات این جنازه را انجام دهید. وقتی ایشان درون قبر می‌رود، می‌بیند دریچه‌ای باز شده که به سوی قصری با شکوه می‌رود. نراقی وارد قصر می‌شود، می‌بیند: شخصی در صدر اتاق بزرگی و افرادی در اطراف نشسته‌اند. آنان از آن شخصی که در صدر نشسته، پیوسته احوال‌پرسی می‌کنند و از حالات اقوام و بستگان خودشان سؤال می‌کنند و او پاسخ می‌دهد. مدتی گذشت، ناگهان دید که ماری از در وارد شد و به سمت آن مرد رفت و چنان او را نیش زد که از حال رفت. مار برگشت، سپس باز شروع کردند با یکدیگر سخن گفتن که دوباره مار آمد و حالت قبلی تکرار شد. وقتی نراقی جریان را پرسید، مرد گفت: من همین مرده‌ای هستم که هم اکنون شما در قبرگذارده‌اید و این باغ، بهشت برزخی من

۱. شوری: ۴۲.

۲. شیخ صدوق؛ *الأمالی*؛ ص ۲۵۳.

است. این افرادی که در اطاق گرد آمده‌اند، ارحام من هستند که قبل از من بدرود حیات گفته‌اند. قضیه مار از این قرار است که روزی دیدم صاحب دگانی با مشتری خود گفتگو و منازعه دارند. صاحب دگان می‌گفت: سیصد دینار (شش شاهی) از تو طلب دارم و مشتری می‌گفت: من پنج شاهی بدهکارم. من به صاحب دگان گفتم: تو از نیم شاهی بگذر و به مشتری گفتم: تو هم از نیم شاهی رفع ید کن و به مقدار پنج شاهی و نیم به صاحب دگان بده. صاحب دگان ساکت شد و چیزی نگفت، ولی چون حق با صاحب دگان بوده و من به قدر نیم شاهی به قضاوت خود - که صاحب دگان راضی بر آن نبود - حق او را ضایع نمودم، به کیفر این عمل خداوند عزوجل این مار را معین نموده که هر یک ساعت مرا بدین منوال نیش می‌زند. هنگام خروج نراقی از قبر، صاحب قبر کیسه برنج کوچکی به وی می‌دهد. این برنج مدت‌ها در منزل ایشان پخت می‌شد و تمام نمی‌شد تا همسرش جریان را برای همسایگان تعریف می‌کند. پس از آن، برنج تمام می‌شود.^۱

ستم بر دیگران، دارای مصادقی فراوانی است. مهم‌ترین مصادیق آن عبارتند از: ۱. ظلم مالی، که شامل پایمال کردن حق مالی یک انسان یا یک جامعه می‌باشد. گران‌فروشی، احتکار، استفاده نابجا از امکانات بیت‌المال و... مصادیقی از این نوع هستند. در اینجا به نمونه‌ای از احتکار و نتیجه آن اشاره می‌شود:

دکتر مرتضی عبدالوهابی،^۲ می‌گوید:

در بیمارستان فیروزآبادی، دستیار دکتر مظفری بودم. روزی از روزها دکتر مظفری صدایم کرد و پیرمردی را نشان داد که باید پایش را به‌علت عفونت می‌بریدیم. دکتر گفت که این بار من نظارت می‌کنم و شما عمل می‌کنید. به میچ پای بیمار اشاره کردم که یعنی از اینجا قطع کنم و دکتر گفت: برو بالاتر! بالای میچ را نشان دادم و دکتر گفت برو بالاتر! بالای زانو را نشان دادم و دکتر گفت برو بالاتر! تا اینکه وقتی به بالای ران رسیدم دکتر گفت که از اینجا بئُر. لحن و

۱. سیدمحمدحسین حسینی تهرانی؛ معادشناسی؛ ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. استاد آناتومی دانشگاه تهران.

عبارت «برو بالاتر» خاطره بسیار تلخی را در من زنده می‌کرد؛ زیرا دوران کودکی همزمان با اشغال ایران توسط متفقین، در محله پامنار زندگی می‌کردیم. قحطی شده بود... عده‌ای از خدا بی‌خبر با احتکار از گرسنگی مردم سودجویی می‌کردند. شبی پدرم دستم را گرفت تا در خانه همسایه‌مان که دلال بود و گندم و جو می‌فروخت برویم و کمی از او گندم یا جو بخریم تا از گرسنگی نمیریم. پدرم هر قیمتی که می‌گفت همسایه دلال ما با لحن خاصی می‌گفت: برو بالاتر... برو بالاتر... بعد از به هوش آمدن پیرمرد برای دیدنش رفتم. چقدر آشنا بود. وقتی از حال و روزش پرسیدم گفت: بچه پامنار بودم. گندم و جو می‌فروختم. خیلی سال پیش. قبل از اینکه در شاه عبدالعظیم ساکن شوم. دیگر تحمل بقیه صحبت‌هایش را نداشتم. خود را به حیاط بیمارستان رساندم. من باور داشتم که از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو. اما به هیچ وجه انتظار نداشتم که چنین مکفاتی را به چشمم بینم.^۱

۲. ظلم جانی که این‌گونه تجاوز و ستمکاری، از وارد کردن یک جراحت کوچک بر بدن تا کشتن یک یا چند انسان را شامل می‌شود.

۳. ظلم آبرویی و اعتباری که همان تجاوز به حقوق اعتباری و از بین بردن آبروی انسان‌هاست؛ مواردی همانند تهمت، شایعه‌پراکنی، برخی دروغ‌ها و...، همگی از مصادیق «ظلم عرضی» است.

۴. ظلم اضلالی، یعنی گمراه کردن دیگران. این نوع ظلم نیز مصادیق فراوانی دارد؛ از آدرس اشتباه دادن به یک شهروند تا تحلیل‌های نابجا، بدبین کردن جامعه به اصل و پایه حکومت اسلامی، تبیین مغلوط و نادرست احکام و معارف دین و...، همگی تحت این دسته از ظلم جای می‌گیرند.

از نکته مهم نباید غافل شد که گاه یک عمل به ظاهر کوچک، شامل چند ظلم می‌شود. به عنوان نمونه «پارتی بازی کردن در یک امر اداری» در موارد زیادی شامل ظلم مالی به افراد جامعه، ظلم جانی به برخی افراد، ظلم اضلالی و بدبینی به اسلام و حکومت اسلامی و... می‌شود. هم‌چنین ظلم در «بهره‌وری و کاهش راندمان کاری»

1. <http://jomhourieslami.net/paper/?newsid=201639>

به تنهایی چند نوع از ظلم را در پی دارد.

عوامل ظلم حسرت‌ساز

یکی از مباحث مهم درباره ظلم، شناخت عوامل ظلم حسرت‌ساز است. شناخت این عوامل، باعث می‌شود همه ما از عوامل یاد شده پرهیز کنیم. از آنجا که معرفی همه این عوامل از حوصله این مقاله بیرون است، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. شرک به خداوند

همان‌گونه که گذشت، از نگاه قرآن کریم شرک، از بزرگ‌ترین گناهان است. خطایی که برخی از افراد با ایمان نیز بدان دچار می‌شوند، بی‌توجهی به اقسام شرک است. برخی تصور می‌کنند صرف اینکه به زبان بگویند ما فقط خدا را می‌پرستیم، از گرداب حسرت‌آلود شرک نجات یافته‌اند؛ در حالی که این چنین نیست. هر چند بسیاری از افراد مسلمان آلوده به شرک جلی نیستند، ولی از برخی مصادیق شرک خفی، همانند ریا، رکون و اعتماد به غیر خدا و...، در امان نیستند. خداوند می‌فرماید: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ»^۱ «و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند».

در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «شرک خفی، مانند گفتار کسی است که می‌گوید: اگر فلانی نبود، هلاک می‌شدم؛ اگر او نبود، به فلان بلا گرفتار می‌شدم؛ اگر فلانی نبود، خانواده‌ام از بین می‌رفت. آیا نمی‌بینی که برای خدا در ملکش شریک قرار داده که او را روزی می‌دهد و از بلا می‌رهاند؟» راوی می‌پرسید: اگر منظور این باشد که اگر خدا به واسطه فلانی بر من منت نمی‌نهد، هلاک می‌شدم، چه؟ امام فرمود: «آری؛ این عیب ندارد».^۲

بنابراین افراد با ایمان ضمن توجه به علل و اسباب، خداوند را مسبب الاسباب و علت العلل می‌دانند.

۱. یوسف: ۱۰۶.

۲. سید علی اکبر قرشی؛ قاموس قرآن؛ ج ۴، ص ۲۸.

۲. عدم همراهی با رسول خدا ﷺ

پیامبر ﷺ و اهل بیت او، کشتی نجات هستند. کسی که وارد آن شود، به ساحل امنیت خواهد رسید؛ ولی کسی که از آن رویگردان باشد، در گرداب‌های حوادث از دایره اعتدال خارج شده و در گرداب ظلم حسرت‌ساز گرفتار می‌شود. در سوره فرقان نیز به این عامل اشاره شده است: «وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا»^۱ (و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم).

۳. نادانی

یکی از مهم‌ترین عوامل ظلم، نادانی است. اگر آدمی بداند که یک لحظه ظلم کردن، چه حسرت طولانی و عذاب دردناکی را برای او فراهم می‌کند، هیچ گاه به کسی ظلم نمی‌کند. نادانی، می‌تواند منشأ و عامل ظلم به خدا، ظلم به مردم و حتی ظلم به خود شود. چگونه ممکن است که آدمی به خویشتن ظلم می‌کند؟ زیرا ظلم از بدخواهی پیدا می‌شود و ممکن نیست کسی بد خود را بخواهد. در پاسخ به این سؤال باید گفت علت ظلم به نفس دو چیز است: غفلت و جهالت. آدمی در مواردی از روی جهالت و نادانی به خیال اینکه به خودش خیری برساند، شری رسانده است.^۲

دشمن به دشمن آن نپسندد که بی‌خرد

با نفس خود کند به مراد و هوای خویش

از دست دیگران چه شکایت کند کسی

سیلی به دست خویش زند بر قفای خویش^۳

در مواردی نیز علت ظلم به نفس، تعارض قوای درونی انسان است^۴ که در این مورد

۱. فرقان: ۲۷.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۲، ص ۱۱۷.

۳. مُصَلِّح بن عبدالله سعدی؛ کلیات سعدی؛ مواعظ، شماره ۳۳، ص ۷۹۶.

۴. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۲، ص ۱۱۷.

نیز جهل آدمی به آنچه برایش مناسب‌تر است، باعث ظلم می‌شود. مثلاً فروشنده‌ای که به دروغ قیمت جنس را زیادتر می‌گوید، منفعتی عایدش می‌شود؛ اما به وجدان و دینش، ظلم و حق دیگران را پایمال می‌کند؛ پس در واقع به خودش ظلم کرده است. در این‌گونه موارد، شخص دانا و باهوش، از سود کوتاه‌مدت دنیوی می‌گذرد تا سود بلندمدت اخروی نصیب او شود.

۴. خودخواهی

یکی دیگر از عوامل مهم ظلم حسرت‌ساز، خودخواهی است. بسیاری از ظلم‌هایی که در خانواده، اجتماع و... انجام می‌شود، ناشی از خودخواهی ظالم است. همسری که به همسرش ظلم می‌کند، حاکمان ظالمی که به مردم جهان ظلم روا می‌دارند و...، همگی شواهدی بر این مطلب هستند. در نهج‌البلاغه نیز به این مطلب اشاره شده است.^۱

۱. ر.ک: شریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ خطبه ۱۳۱.